خبر

نواختن گروه مولانا برای زلزله‌زدگان

● نشست خبری کنسرت چهل‌سالگی گروه مولانا سی‌ام آبان ماه در تالار وحدت تهران برگزار شد. «محمد جلیل عندلیبی» ـ نوازنده، آهنگساز و سرپرست گروه مولانا ـ در این نشست گفت: «من این گروه را در سال ۱۳۵۴ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی تشکیل دادم؛ هسته اصلی این گروه در این مرکز به همراهی داریوش صفوت شکل گرفت. در سال ۱۳۵۶ این گروه در تئاتر شهر تولد پیدا کرد که اولین برنامه‌های ما به خوانندگی زنده‌یاد رضوی سروستانی اجرا شد. بعدها شهرام ناظری و علیرضا افتخاری به ما پیوستند. این گروه همچنین در اوایل انقلاب به عنوان ارکستر سنتی وزارت فرهنگ و ارشاد فعالیت می‌کرد. اگرچه مردم گروه «مولانا» را قدر دانستند اما در بقیه موارد اینگونه نبوده و ما چند سالی است به شکل خصوصی کار می‌کنیم. شاید شهرام ناظری کمی کم‌لطفی کرد. من به او پیشنهاد کردم آثاری را که مردم با آن‌ها خاطره دارند دوباره اجرا کنیم اما نشد. البته من دوست دارم با جوان‌ها کار کنم حتی زمانی که کارهایم را به شهرام ناظری دادم او هنرمندی جوان بود». عندلیبی نوید اجرایی با نام «کورده واری» که هفتم آذرماه در تالار وحدت تهران به روی صحنه می‌رود را داد و گفت: «ما در سه بخش اجرا خواهیم کرد. در بخش اول بهزاد فروهری تکنوازی نی و در ادامه دو نوازی نی و تمبک خواهد داشت. سپس ما ابتدا در دستگاه همایون با اجرای تصانیفی از عبدالرحمن وفایی و اجرا می‌کنیم. بعد آثاری در دستگاه شور و بیات ترک تدارک دیده‌ایم. موسیقی‌ای که ما اجرا می‌کنیم موسیقی ردیف دستگاهی ماست که بر اساس مقام‌های کردی اجرا می‌شود. موسیقی ما به چهار بخش عرفانی، فولک، اصیل (سنتی) و مقامی تقسیم می شود. موسیقی ما تخصصی و برگرفته از مقام‌های کرد است؛ در حالی که متاسفانه موسیقی‌هایی که امروزه در کنسرت‌ها اجرا می‌شود «هلپرکه» (رقص موسیقی کردی) است».عندلیبی در مورد وجود اختلاف میان اهالی موسیقی نیز گفت: «این اختلافات در تمام جامعه وجود دارد. من آثار جدیدم را بر اساس درد دلی که از اجتماع دارم ساختم. البته فکر می‌کنم هنرمندان با یکدیگر عیاق‌ترند زیرا ما وجه مشترک موسیقی را داریم».«سید رضا کردستانی» ـ خواننده این گروه ـ گفت: «اگر قرار به کار کردن با پیشکسوت‌ها باشد جایی برای بروز پدیده‌های جدید نمی‌ماند». «بهزاد فروهری» ـ نوازنده نی ـ درباره اجرای خود در این کنسرت گفت: «پس از دونوازی تمبک و نی در دستگاه شور، در بخش بعدی قطعاتی را به همراهی گروه اجرا می‌کنیم که شامل چهار مضراب و آثار محلی است».و «صابر نظرگاهی» ـ نوازنده تار ـ نیز گفت: «این کنسرت جزو اولین برنامه‌هایی است که من با گروه مولانا اجرا می‌کنم. البته سال‌ها است که با جلیل عندلیبی آشنایی دارم؛ آثار او و گروه مولانا جزو بهترین رپرتوارها محسوب می‌شود». قرار است بخشی از عواید این کنسرت به زلزله‌زدگان کرمانشاه تعلق بگیرد.

تاسیس خانه‌های فرهنگ و هنر کودکان و نوجوانان غرب کشور

● انجمن طراحان گرافیک کرمانشاه، انجمن هنرهای نمایشی کرمانشاه، انجمن هنرهای تجسمی کرمانشاه، جمعیت فرهنگ و هنر کرمانشاه، انجمن سینمای جوانان کرمانشاه و جمعی از فعالان فرهنگ و هنرمندان کرمانشاهی مقیم مرکز پس از حادثه زلزله با تاسیس ستاد هنرمندان و فعالان مدنی تلاش خود را در جهت جمع‌آوری کمک‌های مادی آغاز کرده‌اند با این اندیشه که؛ با توجه به برطرف شدن نیازهای ابتدایی ساکنان این مناطق، زمان فعالیت جدی و میدانی با اهداف مشخص و معین برای کودکان و حتی بزرگسالان فرا رسیده است. در این راستا قصد دارند با تاسیس کمپ‌های سیار آموزش؛ و در صورت تامین منابع کافی، با تاسیس پایگاه‌های فرهنگی دائمی، با حضور جوانان فعال و داوطلب و کارشناسان امور تربیتی و آموزشی، مروجان کتابخوانی، قصه‌گویان و جامعه تئاتر کودکان، باهمکاری سازمان‌های دولتی و تشکل‌های غیردولتی، قدمی برای آگاه سازی و آموزش هدفمند کودکان بازمانده از زلزله بردارند.

کرمانشاه سال‌هاست که دفن است!

● کیست که جسارت کند روبه روی شهر ویران و بر انبوه جنازه‌های عزیزان‌اش بگوید "زلزله زیباست" بجز آنکس که عمری است آسمان بر خانه‌اش آوار شده است. بجز آن کس که آخرین امیدش این است که شاید مرگ‌اش نشان دهد که چگونه زیست. زیرا باور دارد که تنها یورش طبیعت است که می‌تواند بازوی برهنه آدمی را سپر همنوعانش فراسوی هر تمایزی کند. باور دارد که شاید طبیعت با لرزه‌ای به یاد آدمی بیاورد که عشق همگانی است برای انسانی که در قهر هستی تنهاست و تنها یاورش خودش است. کرمانشاه سال‌هاست که دفن است و زلزله شاید بیرونش آورد.

چه بسا این غمکده جنگ زده بیکاری و فقر با پژواک لرزه‌اش تا صدها کیلومتر دورتر - نه با تصویر مجازی رسانه‌ها - صدای خرد شدن‌اش را به گوش همنوعان رساند.

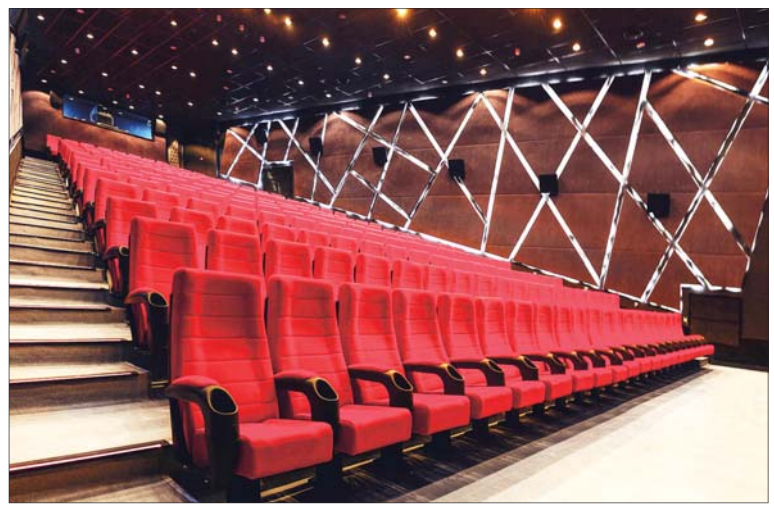

سینما، صنعتِ هنری

هونیکا پرویزی

از زمانی که اولین سینما در کرمانشاه به راه افتاد ۸۶ سال می‌گذرد. سینما «فروهر» در دورانِ پهلویِ اول در سال ۱۳۱۰ توسط «سید ابول نقاش» با کمک و راهنمایی «حبیب‌الله مراد» تأسیس شد. این سینماتوگرافِ دومنظوره، علاوه بر نمایش فیلم؛ مکانی برای اجرای تئاتر نیز بود. دیری نپایید که این سینما در جنگ جهانی اول از فعالیت خارج شد. دومین سالن سینمای شهر بانام سینما «باربد» در محله جلوخان فعالیت خود را آغاز کرد. در دهه سی شمسی چند سالن سینمای جدید در کرمانشاه افتتاح شد که می‌توان به سینما «هما» (که بعدها به سینما ایران تغییر نام داد) و سینما «مهتاب» اشاره کرد. دهه‌های چهل و پنجاه را می‌توان اوج رونق سینماها در شهر کرمانشاه دانست. در این دوران سالن‌های زیادی ساخته شد که چند مورد از آن‌ها سالن‌های روباز بودند. در این دوره سالن‌های سینما «دیانا»، سینما «مولن رژ» واقع در خیابان دبیر اعظم و سینما «رکس» واقع در سه‌راه شریعتی به‌صورت روباز ساخته شدند. سالن‌های دیگر عبارت بودند از سینما «متروپل»، سینما «کریستال»، سینما «آتلانتیک»، سینما «شهرفرنگ» و سینما «شهر تماشا» که تا آستانه انقلاب ۱۳۵۷ ایران به فعالیت خود ادامه می‌دادند. از این میان، سینما «شهر تماشا» بیشتر به نمایش فیلم‌های هنری با مخاطب خاص می‌پرداخت. پس از انقلاب، به سبب تغییر وضعیت اجتماعی و اقتصادی، و نیز توسعه شهر کرمانشاه به‌سوی شمال سینماها کم‌کم مخاطبان خود را از دست دادند و از رونق افتادند. در دهه هفتاد هیچ سالن سینمای جدیدی در کرمانشاه ساخته نشد، اما به سبب شرایط به وجود آمده براثر جنگ ۸ ساله ایران و عراق، تقریباً بیشتر سالن‌ها تعطیل شدند.

سینماهای متروپل، کریستال، دیانا، مولن روژ و رکس تعطیل شدند، و سالن‌های دیگر بانام‌های تازه‌ای به فعالیت پرداختند در این دوره سینما آتلانتیک به پیروزی، سینما شهرفرنگ به «آزادی» و سینما «شهر تماشا» به استقلال تغییر نام دادند. با پایان جنگ، در کرمانشاه مجدداً امکان بازسازی و نوسازی سالن‌های سینما فراهم شد. در این دهه سالن سینما صحرا (بهمن) در شهرک دولت‌آباد توسط دولت و سالن سینما فرهنگ در شهرک فرهنگیان فاز ۲ توسط سرمایه‌گذار خصوصی ساخته شد. سه سالن سینما آزادی، سینما پیروزی و سینما استقلال هم کماکان به فعالیت خود ادامه می‌دادند. فعالیت سینما صحرا دیری نپایید و اندکی پس از افتتاح به حالت تعطیل درآمد و متروکه شد.

سینما استقلال در سال ۱۳۸۴ از چرخه نمایش فیلم خارج شد و به‌صورت سالنی متروک و مخروبه درآمد و در حال حاضر هیچ‌گونه استفاده‌ای از ساختمان سینما نمی‌شود. در دی‌ماه ۱۳۸۷، از سه سینمای باقی‌مانده کرمانشاه به‌جز سینما فرهنگ که متعلق به بخش خصوصی بود، همگی تعطیل شدند. در همین زمان تعداد صندلی‌های سینما فرهنگ نیز به ۲۰۰ صندلی کاهش یافت. رئیس وقتِ حوزه هنری کرمانشاه علت این تعطیلی را «ورشکستگی و نداشتن توان مالی لازم جهت اداره آن‌ها» عنوان کرد. پس از تعطیلی سینماها، کار بازسازی سینما آزادی شروع و این سالن در اردیبهشت ۱۳۹۱ به‌طور رسمی بازگشایی شد. این سالن پس از بازسازی به تجهیزات نوین نمایش فیلم مجهز شد.

کمبود سینما

در حال حاضر سینما آزادی با یک سالن نمایش (و نمایش دو الی سه فیلم در سانس های متفاوت در طول روز) و سینما فرهنگ با سه سالن نمایش مشغول به کار هستند. طبق استاندارد جهانی باید به ازای هر ده هزار نفر یک سالن سینما وجود داشته باشد. در ایران این استاندارد ۸ تا ۱۰ برابر پائین تر است؛ یعنی به ازای هر ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر یک سالن سینما وجود دارد و با توجه به وجود تنها دو سینمای فعال در شهر کرمانشاه فرسنگ‌ها تا استاندارد جهانی راه وجود دارد.

این دو سینما در کلان‌شهر کرمانشاه در قسمت‌های شمالی و جنوبی شهر قرار دارد که جوابگوی نیاز مخاطبان نیست. و به نظر می‌رسد به دلیل دور بودن بعضی محلات از سینماها دوستداران سینما از صرافت دیدن فیلم می‌افتند.

سینما پیروزی جان می‌گیرد؟

سینما پیروزی در حال حاضر تعطیل و غیرفعال است. بخشی از سینما تخریب‌شده است اما عملیات تخریب از نیمه‌راه رهاشده و ساختمان این سینمای قدیمی بلاتکلیف رهاشده است. دلایل تعطیلی سینما پیروزی فرسودگی مصالح، ترک‌خوردگی در دیوارها و فونداسیون، امکان ریزش دیوارها، تغییر موقعیت کاربری‌های فرهنگی، کاهش مخاطب و مشکلات اقتصادی اعلام شد. «امین مرادی» رئیس حوزه هنری کرمانشاه در ابتدای شروع به کارش در این سمت حیات دوباره سینما پیروزی را لازم دانست و از شروع مقدمات این کار گفت: «خوشبختانه سینما پیروزی، سینمای متروک شهر کرمانشاه با تلاش مدیران ارشد استان حیات دوباره می‌گیرد. تاکنون ظرفیت‌های سینما پیروزی بررسی و تصمیمات شورایی مبنی بر اقدام برای بازسازی این مکان فرهنگی از سوی مسئولان ارشد استان انجام‌شده است». این سینما علی‌رغم هشدارهای متعدد از سوی رئیس سازمان امور هنری استان به دلیل نداشتنِ مالکیت خصوص کماکان به‌صورت بنایی نیمه مخرب بر دل دوست دارانِ سینما زخم می‌زند. رئیس حوزه هنری با اشاره به‌احتمال ریزش ساختمان سینما پیروزی کرمانشاه گفته است: «در صورت عدم رسیدگی و اقدام به‌موقع امکان ریزش ساختمان سینما پیروزی وجود دارد که خسارات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت». او با اشاره به کمبود سرانه سینما برای مردم استان کرمانشاه از به‌کارگیری تمام ظرفیت حوزه هنری در جهت ایجاد سینمایی با کلیه امکانات و رعایت استانداردهای روز دنیا خبر می‌دهد. باید دید این وعده چه زمان تا چه میزان محقق خواهد شد؟!

پردیس! سینما فرهنگ

تنها سینمای کرمانشاه که بیش از یک سالن دارد سینما فرهنگ است. این سینما که در سال ۱۳۷۰ بانام تجاری «تعاونی ۱۸۲» شروع به فعالیت کرده و اکنون دارای سه سالن نمایش بوده و ظرفیت‌های آن به ترتیب ۱۳۵ و ۳۲۰ و ۷۰ صندلی است. سینما فرهنگ کرمانشاه متعلق به بخش خصوصی بوده و مدیریت آن بر عهده «غلامرضا پیر بابایی» است. در سال ۹۵ سالن شماره ۳ فرهنگ کرمانشاه به چرخه اکران سینما فرهنگ اضافه شد. «ابراهیم رحیمی زنگنه» در مراسم افتتاح این سالن گفته بود: «برای احداث این سالن و نیز تجهیز سالن شماره ۲ درمجموع، ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال هزینه شده که بخش عمده آن را سینما شهر تخصیص داده است». سینما فرهنگ که نام پردیس را یدک می‌کشد در شهرک کارمندان قرار دارد. پردیس سینمایی، به ساختمانی گفته می‌شود که دارای حداقل ۳ سالن سینما (معمول ۶ تا ۱۰ سالن) باشد. ظرفیت بعضی از سالن‌های بزرگ پردیس‌های سینمایی گاهی تا چند هزار نفر هم می‌رسد که به آن مگاپلکس می‌گویند.

در مواردی، پردیس سینمایی در مجموعه بزرگی قرارگرفته است که مجموعه‌ای از خدمات تفریحی تجاری نیز در کنار پردیس سینمایی قرار دارد. پردیس سینمایی در ابتدا راهی برای رونق یافتنِ صنعت سینما ارزیابی شد؛ اما در ادامه مواردی همچون سرگرم‌کننده بودن، زمینه‌سازی برای بحث‌های فرهنگی و تعاملات اجتماعی، ایجاد پایگاه و مرکز فرهنگی، ارتقا سطح فرهنگی، بسط فرهنگ سینما رفتن، توجه به نیازهای فرهنگی و تفریحی افراد، نیز از اهداف تبدیل سینماهای تک منظوره به سینماهای چندمنظوره شد. اما سؤال اینجاست با تعاریفی که برای پردیس‌های سینمایی تبیین شده آیا سینما فرهنگ به‌صرف داشتن سه سالنِ نمایش پردیس سینمایی محسوب می‌شود؟

سینما آزادی

سینما آزادی کرمانشاه در سال ۱۳۵۴ با یک سالن نمایش فیلم به گنجایش ۱۰۸۵ صندلی بانام سینما شهرفرنگ شروع به فعالیت نمود. این سینما در جریان انقلاب چندین بار از سوی گروه‌های مختلف موردحمله قرار گرفت و پس از انقلاب برای مدتی تعطیل شد. مالکیت سینما آزادی با حوزه هنری بوده و مدیریت این سینما بر عهده «احسان رمضانی» است. رمضانی مهرماه امسال در پنجمین نشست مدیران امور سینمایی کشور که با حضور معاون سینمایی حوزه هنری در سنندج برگزار شد؛ موردتقدیر قرار گرفت.

چگونگی توزیع سرمایه

شکل سانس بندی و نحوه گروه‌بندی فیلم‌ها در زمان اکران همیشه باعث مناقشه بوده است. بحث درباره نحوه و مدت اکران هرروز بالاتر هم می‌رود. سینما داران معتقدند؛ اگر یک فیلمی مخاطب و فروش خوبی داشته باشد قطعاً سینما داران از آن استقبال می‌کنند و اگر فیلمی مخاطب نداشته باشد؛ عقلانی نیست که سالن سینما به آن اختصاص داده شود. اما از میزان فروش گیشه چه کسی چه میزان کسب می‌کند نیز مسئله‌ای است که مدام موردبحث است.بنا به گفته محمد نیک‌بین تهیه‌کننده سینما: «فرمولی که الآن حاکم است بر این اساس است که سینما دار ۵۰ درصد از درآمد را برمی‌دارد و پخش‌کننده ۱۰ درصد را و از آن ۴۰ درصد باقی‌مانده، تهیه‌کننده باید هزینه‌های مربوط به تبلیغات، ساخت فیلم، خواب سرمایه و سوددهی را تأمین کند». از پنجاه‌درصدی که به سینما داران می‌رسد نیز، ۵ درصد عوارض شهرداری، ۸ درصد مالیات ارزش‌افزوده و نزدیک به ۱ درصد صرف حق طبع بلیت خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر ۱۴ درصد از فروش به دولت واگذار می‌شود.

جذب مخاطب

کیفیت صندلی‌ها، سیستم سرمایشی و گرمایشی، جذابیت و معماری سینما، بهره‌گیری از سیستم‌های دیجیتالی و فناوری‌های مدرن صوتی و تصویری و راحتی و آسایش این سالن‌ها و ... درمجموع مواردی هستند که ضرورت بازسازی و تجهیز سالن‌های سینماها را تشدید می‌کنند. از طرف دیگر با توجه به رشد جمعیت کشور و همچنین رشد و پیشرفت صنعت سینما در جهان، ایران امروز نیازمند فناوری‌های مدرن‌تری برای جلب مخاطبان به سالن‌هاست. مخاطبانی که باوجود اینترنت و ماهواره و دستگاه‌های پیشرفته نمایش خانگی کمتر رغبتی برای رفتن به سالن‌های قدیمی سینما نشان می‌دهند.

با رجوع به آمار فروش بلیت سینماها می‌توان به اقبال کم مخاطبان در سال‌های اخیر به فیلم‌های روی پرده پی برد. معضل رکود سینمای ایران و به‌طور اختصاصی استان کرمانشاه و حضور کم‌جمعیت مخاطبان در سالن‌ها، گرچه به موارد مهم‌تری چون کاهش کیفیت فیلم‌های روی پرده نیز مربوط است اما از اهمیت تجهیز سالن‌های سینما نمی‌کاهد.

معنای کمک‌رسانی: آسیب‌شناسی و راهکار

علی‌نجات غلامی
نویسنده و مترجم

اینکه قلب و روح تک‌تک ما از این اتفاق تلخ به درد آمده است و اینکه احساسات نوع‌دوستانه ما از ما می‌خواهند هرچه سریع‌تر به داد هم‌وطنان‌مان برسیم مسئله‌ای روشن است، اما نباید اجازه بدهیم احساس‌مان بر تحلیلات منطقی‌مان غلبه کند و بی‌برنامگی‌هایمان تاثیراتی بگذارند که به افسوس دچارمان کنند.

بسیاری از ما که سریعاً اقلامی تهیه کردیم و به مناطق زلزله‌زده رسانیدیم دچار این دریغ شدیم که کاش کمی با حوصله‌تر و صبورتر می‌بودیم تا چیز بهتری را تهیه می‌کردیم.

انباشت بیش از حد پاره‌ای اقلام مصرفی نیروی عمومی یاری‌رسانی را بسیار تخلیه کرد و برای مراحل بعدی که اساسی‌ترند امکانات را تعضیف کرد که این می‌تواند عواقب درازمدت تلخی داشته باشد. من در این یادداشت می‌خواهم به‌طور مختصر و مفید به آسیب‌شناسی و نهایتاً ارائه پیشنهاداتی بپردازم.

اگر این مسیر با چنین بی‌برنامگی‌ای پیش برود دو سه سال دیگر باید منتظر کپرنشین‌های دردآوری در اطراف کرمانشاه و سنندج و چه بسا تهران و کرج باشیم.

زلزله‌ای با گستره تخریب وسیع غالباً در فقیرترین بخش‌های روستایی و شهریِ استانی روی داده است که پیش از این دچار رکود اقتصادی و میزان بیکاری شدید بود. این بخش‌ها سابق بر این بر یک شبکه اقتصادی حداقلی مبتنی بوده است که با زلزله آن رگه نحیف نیز گسسته شده است.

بر این امر دو مسئله خطرناک نیز افزوده می‌شود که زندگی جمعی این مناطق را به سمتی تلخ خواهد کشانید.

از یک سو کمک‌های مردمی در یک لحظه اولیه احساسی عمدتاً صرف اقلام مصرفی برای نجات اولیه بوده است که به نحو انبوهی گرد آمده است و از سوی دیگر سیاست مبتنی بر «وام» دولت برای بازسازی است که رسماً خطرناک است.

انباشت اقلام مصرفی در سبک زندگی تاثیر منفی می‌گذارد و تکاپوی اجتماعی را تا چندین ماه به رخوت خواهد کشانید و این امر از یک سو احیاء شاهرگ گردش اقتصادی را به تأخیر خواهد انداخت و از سوی دیگر خلق زندگی روزمره را مصرفی خواهد کرد. علاوه بر این، همان‌طور که گفتیم بیشترین انرژیِ کمک مردمی را به خود معطوف کرد و در مرحله بازسازی طبعاً کمک دیگر به این شدت نخواهد بود.

با این حال، همان میزانی از کمک که برای مرحله بازسازی باقی می‌ماند چه دولتی و چه مردمی، به دلیل مدل غلط بازسازی، عمدتاً صرف خانه‌سازی و سایر مراکز رفاهی می‌شود و در آخرین مرحله به سمت احیاء شاهراه‌های حیات اقتصادی می‌رود. بدین‌سان همان خانه‌های بازسازی‌شده - خاصه در مناطق روستایی - به مرور در جستجوی کار - خاصه به دلیل فشار «وام» ترک گفته می‌شوند و کپرنشینی‌های اطراف شهرهای بزرگ گسترش می‌یابند.

این سرنوشت شومی است که اگر امروز پیش‌بینی نشود عاقبتی تلخ خواهد داشت. اما چه باید کرد؟

ما باید بدواً به یاد داشته باشیم که زلزله در محیطی اتفاق افتاده است که پیش از این دچار رکود اقتصادی بوده است. این پیامی جدی برای ما دارد: احیاء حیات اقتصادی بر حیات رفاهی تقدم دارد. به بیان ساده بازسازی «کار و وسیله و محیط کار» بر بازسازی «خانه کامل» اولویت‌هایی ویژه دارد. در یک خانه نیمه‌کاره هم می‌شود زیست اما بدون شغل و کار رسماً زندگی تعطیل می‌شود.

در محیط‌های روستایی رسیدن دام، طیور، خوراک دام، امکانات کشاورزی و غیره بر داشتن خانه کامل تقدم دارد. زندگی در کانکس یا خانه‌های نیم‌ساخته حتی اگر یکی دو سال هم برایشان طول بکشد خودشان آرام آرام خانه‌یشان را می‌سازند اما تمرکز مشخص بر تکمیل خانه و وسایل تزیینات درون آن، خاصه با ابزار مرگ‌بار وام، ریتم زندگی آنها را مختل خواهد کرد. در حیاط شهری نیز فرد اگر مغازه، ماشین، کارگاه و انواع وسایل کارش زودتر احیاء شود بهتر است تا بخواهد خانه‌ای کاملاً تکمیل با جزییات مصرفی درون‌اش داشته باشد. (مواردی که ما پتو را به روستاییان دادیم و آنها پتو را دور گوسفندان‌شان پیچیدند نه خودشان، پیامی روشن دارند دال بر اینکه آنها عاقبت‌اندیشیِ زیسته‌ای دارند).

اگر طبعاً کمک دولتی و مردمی به حد کافی باشد که طبعاً حیات اقتصادی و رفاهی با هم خب بهتر است اما تجربه و نیز گستره تخریب نشان می‌دهند که هر دو با هم دشوارند. خاصه اینکه به دلیل عجله خیرین، نیروی هر چند فراوان اما نهایتاً محدود کمک، عمدتاً صرف مرحله اولیه نجات و اقلام مصرفی شد، اکیداً باید بر هدایت باقی‌مانده کمک‌ها به سوی بازسازیِ مبتنی بر حیات اقتصادی تمرکز کرد.

بازسازی مبتنی بر رفاه، این مردم مصیبت‌دیده را در آینده نابود خواهد کرد. هر فرد یا گروه خیری و هر نهاد یاری‌رسانی که چیزی برایش مانده است باید آن را صرف اولیه‌ترین و غیرمصرفی‌ترین مصالح زیرساختی و به‌ویژه ابزار تولید کند. مثلاً در روستاها رسانیدن اقلامی مانند دام و طیور و امکانات کشاورزی که وجه تولیدی دارند پس از یکی دو ماه کار زیرساختی برای احیاء آغل‌ها و اتاق‌ها یا کانکس‌های اولیه برای اسکان امن، بر هر چیزی مقدم است.

در شهرها تمرکز بر وجوه تولیدی از جمله تعمیر و تعویض وسایل موتوری و تأسیساتی بر کاشی‌کاری و رنگ و جلای دیوارها تقدم دارند. اگر این موج کنسرو و پوشاک و لباس که کوه و کوه در روستاها انباشت شد سر فرصت صرف دام و طیور می‌شد این منطقه را نه تنها احیاء بلکه به شدت در مسیر توسعه قرار می‌داد.

هنوز هم دیر نیست و کسانی که مبالغ ریز و درشت از کمک‌های مردمی و بودجه‌ها را در دست دارند بایستی صبوری کنند و هرچقدر که ممکن بود کمتر صرف امور رفاهی و اقلام مصرفی - مگر در لحظات بحران و ضرورتِ گزارش‌شده - و بیشتر صرف ابزار تولید کنند. اکنون به هر حال نیازها کم و بیش شناسایی شده‌اند و اگر کسی در جایی در حد بحرانی نیازمند اقلام اولیه بود سریعاً به او می رسد.

اما مثلاً فکر رسانیدن دام و طیور زنده چیزی است که تا زمانی که فرد زیر فشار وام و بیکاری غرق شده است به تأخیر خواهد افتاد و زمانی به ذهن کسی خطور می‌کند که دیگر نیرویی برای کمک باقی نمانده است. از این رو، ضرورت دارد اجماع افکار اکنون به سمت کمکی توسعه‌محور تولیدمحور برود نه مصرف‌محور و مصرف‌گرایانه.

خبر

راه‌اندازی رادیو امید برای اطلاع‌رسانی اخبار نقاط زلزله‌زده

● **مهر:** معاون امور استان‌های سازمان صداوسیما از راه‌اندازی رادیو امید برای اطلاع‌رسانی گزارش‌ها نقاط زلزله‌زده خبر داد. «علی دارابی» معاون امور استان‌های سازمان صداوسیما از راه‌اندازی رادیو امید برای اطلاع‌رسانی گزارش‌ها نقاط زلزله‌زده خبر داد و گفت: «اگر مسئولان در خط مقدم سازندگی باشند مردم پشتیبان آنان خواهند بود. برای کاهش تلفات ناشی از زلزله باید علاوه بر ارائه آموزش‌های عملی مقاوم‌سازی‌ها نیز افزایش یابد». او گفت: «مردم شهرستان‌های زلزله‌زده نظیر قصر شیرین و سرپل ذهاب در این دوره هم مانند روزهای دفاع مقدس مسائل زیادی دیدند». دارابی خواستار همت مسئولین برای رفع مشکلات مردم زلزله‌زده شد و گفت: «ترافیک سنگینی از امکانات مردمی به سمت مردم زلزله‌زده سرازیر شده است». او راه‌اندازی رادیو امید را گامی در راستای تحقق رسالت صداوسیما مبنی بر ارائه آخرین گزارش‌ها و از سوی دیگر رسانیدن صدای مردم به گوش مسئولین دانست.

در مناطق زلزله‌زده عشق موج می‌زند

● **روابط عمومی حوزه هنری:** «امین مرادی» رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی کرمانشاه با حضور در مناطق زلزله‌زده سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی، کمک‌ها و محموله‌های حمایتی کارکنان و هنرمندان استان‌های حوزه هنری سراسر کشور را به ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط تحویل داد. امین مرادی در حاشیه این سفر، از استقبال بی‌نظیر مردم در امر کمک‌رسانی به مردم آسیب‌زده ابراز خرسندی کرد و گفت:« واقعاً مردم ایران اسلامی مخصوصاً هنرمندان به‌عنوان افراد تاثیرگذار در کمک و حمایت و ابراز همدردی سنگ تمام گذاشتند و با ارسال بیش از ۱۵ محموله کالاهای ضروری و موارد مصرفی از مراکز استانی کشور حمایت خود را اعلام کردند». مرادی در ادامه گفت:« حوزه هنری انقلاب اسلامی به‌عنوان یک‌نهاد انقلابی وظیفه خود می‌داند در شرایط حساس هم حضور فیزیکی داشته و هم با اجرای برنامه‌های مدون فرهنگی در راستای بهبود شرایط روحی و روانی آسیب دیدگان این حادثه مخصوصاً کودکان و نوجوانان وارد عمل شود». او اقدام هنرمندان در سفر به کرمانشاه و مناطق آسیب‌دیده را ستودنی خواند و گفت :«حضور چهره فرهنگی و هنری که پایگاه اجتماعی در بین مردم‌دارند می‌تواند کمک شایانی به ترمیم ضربه‌های روحی و روانی افراد منطقه نماید». این مقام فرهنگی اظهار امیدواری کرد حوزه هنری انقلاب اسلامی با برنامه‌ریزی‌های کارشناسی در آینده نزدیک با کمک دفتر مرکزی و حوزه هنری کودک و نوجوان فعالیت فرهنگی خود را در این مناطق آغاز می‌کند.

اجرای برنامه‌های فرهنگی برای کودکان زلزله‌زده

● **مهر:** سرپرست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کرمانشاه گفت: «برنامه‌ای بزرگ را برای خدمات‌رسانی فرهنگی به کودکان و نوجوانان زلزله‌زده داریم که در اجرای آن تمامی مجموعه کانون مشارکت خواهند داشت». «مهناز فتاحی» با اشاره به این مطلب که کانون استان اقدام به تشکیل ستاد ویژه امداد فرهنگی بخش کودک و نوجوان در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه نموده است، گفت: «این ستاد برنامه‌ای بزرگ را برای خدمات‌رسانی فرهنگی به کودکان و نوجوانان زلزله‌زده داشته که برای اجرای آن تمامی مجموعه کانون مشارکت دارند». او از دایر شدن دو پایگاه ثابت در محل کانون‌های سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی خبر داد و گفت: «همچنین چهار پایگاه سیار دیگر در مناطق زلزله‌زده استان حضور دارند و به اجرای برنامه برای کودکان و نوجوانان می‌پردازند». سرپرست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کرمانشاه اضافه کرد: «اکثر مربیان کانون از سراسر کشور برای حضور در مناطق زلزله‌زده اعلام آمادگی کرده و به‌نوبت راهی مناطق زلزله‌زده می‌شوند». او گفت: «محصولات کانون شامل نوشت‌افزار و اسباب‌بازی‌های زیادی هم از سوی ستاد برای بچه‌ها ارسال‌شده که به دستشان خواهیم رساند». فتاحی سپس با بیان اینکه وظیفه مربیان کانون پرورشی امدادرسانی فرهنگی است، ادامه داد: «مربیان می‌کوشند تا از بچه‌ها دلجویی کرده و آن‌ها را تسلی دهند». فتاحی با اشاره به اینکه باید با زبان هنر دردهای کودکان و نوجوانان زلزله‌زده را تسکین دهیم، اضافه کرد: «مربیان کانون پرورش فکری می‌کوشند تا در کنار کودکان و نوجوانان زلزله‌زده باشند تا شاید از این طریق تسلی‌بخش دردهای آن‌ها باشند». مدیر منطقه‌ای امداد فرهنگی بخش کودک نوجوان مناطق زلزله‌زده گفت: «از همان روز اول به همراه امدادگرانی که به محل می‌رفتند به مناطق زلزله‌زده شهرستان سرپل ذهاب رفتیم و به بچه‌ها آب و کتاب رساندیم. باورکردنی نبود که بچه‌ها این‌قدر مشتاقانه دور ما حلقه‌زده و تلاش داشتند از ما کتاب بگیرند».